

بررسی تأثیر جریان‌های انحرافی مهدوی بر تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهرداد ندرلو^۱

چکیده

باور به مهدویت از مؤلفه‌های کانونی هویت و گفتمان جمهوری اسلامی ایران است که انتظار فعال را در عرصه سیاسی و اجتماعی به ارمغان آورده است. با این حال وجود جریان‌های انحرافی مهدوی و تلاش آن‌ها برای تضعیف ارکان اعتقادی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران این سؤال را مطرح می‌کند که: این جریان‌ها چگونه ابعاد حساس و امنیت ملی جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کنند؟ بر همین اساس این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای و به بررسی این پدیده پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این جریان‌ها با تلاش برای سلب هویت اسلامی و مشروعیت‌زدایی از نظام، تضعیف جایگاه ولایت فقیه و رهبری دینی، کاهش پایگاه مردمی و ترویج بی‌اعتمادی و نیز ایجاد شکاف‌های اجتماعی و فرقه‌گرایی، به طور جدی همبستگی ملی و انسجام جامعه را هدف قرار داده و دشمنان و استعمارگران نیز از این جریان‌ها برای تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری می‌کنند.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی، مهدویت، امنیت ملی، جمهوری اسلامی، تضعیف امنیت

ملی.

باور به ظهور منجی موعود که در تشیع اثنی عشری با مفهوم عمیق و ریشه دار «مهدویت» تبلور یافته است، نه تنها یک اصل اعتقادی، بلکه منبع الهام بخش تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی در میان شیعیان بوده است. این باور که انتظار برای برپایی عدالت جهانی توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کانون خود دارد، به اشکال گوناگون و در عرصه مختلف کنشگری جمعی و فردی شیعیان در طول تاریخ بروز یافته است. در بستر جمهوری اسلامی ایران نیز که بنیان‌های نظری و گفتمانی آن پیوندی ناگسستنی با آموزه‌ها و آرمان‌های شیعی دارد، مهدویت جایگاهی کانونی یافته و به یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت نظام و گفتمان انقلاب اسلامی ایران تبدیل شده است. بر همین اساس، در جمهوری اسلامی ایران، مهدویت از پدیده‌ای صرفاً اعتقادی و انتظار ایستا، خارج شده و در معادلات و پویایی‌های عرصه عمومی و سیاسی نیز وارد شده است. اما در کنار روایت رسمی از مهدویت و الزامات دوران انتظار، همواره شاهد حضور و فعالیت «جریان‌های انحرافی مرتبط با مهدویت» بوده‌ایم که ممکن است در فهم، تفسیر و رویکردهای عملی نسبت به این باور بنیادین، تفاوت‌ها، تنوعات و گاه واگرایی‌هایی نسبت به گفتمان رسمی داشته باشند. این جریان‌ها که می‌توانند شامل گروه‌ها، محافل فکری، یا شبکه‌های ارتباطی با سطوح مختلف سازماندهی (از کاملاً غیر رسمی تا نیمه رسمی) باشند، با تولید و ترویج گفتمان‌های خاص خود و انجام کنش‌های مبتنی بر این گفتمان‌ها، در فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه حضور دارند و تلاش می‌کنند تا فضای عمومی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهند.

بر همین اساس، به دلیل ماهیت حساس و گاه هیجان‌انگیز موضوع مهدویت که از ظرفیت بسیار بالایی در تاثیرگذاری بر لایه‌های مختلف جامعه برخوردار است؛ این تحقیق، تلاش دارد به بررسی تأثیر جریان‌های انحرافی مهدوی بر تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. بدین منظور سؤال اصلی این است: جریان‌های انحرافی مهدوی، چگونه بر ابعاد حساس و

حیاتی امنیت به ویژه امنیت سیاسی (مانند ثبات نظام، مشروعیت حاکمیت، اعتماد به نهادهای حاکمیتی) و امنیت اجتماعی (مانند انسجام ملی، همبستگی اجتماعی، کاهش تنش‌ها و پایداری هنجارها) در جامعه ایران تأثیر می‌گذارند؟

لذا، آنچه انجام این تحقیق را ضرورت می‌بخشد از چند جنبه قابل بررسی است: نخست آنکه مهدویت یکی از باورهای بنیادین جامعه ایران است و نقش راهبردی در آن دارد. به گونه‌ای که خوانش‌های انحرافی از آن به طور مستقیم، بافت اجتماعی و سیاسی جامعه ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم اینکه هرگونه تأثیر بر امنیت سیاسی و اجتماعی، پیامدهای مستقیمی بر ثبات، توسعه و رفاه عمومی جامعه دارد. از این رو شناخت عوامل موثر بر این حوزه ضرورت دارد. همچنانکه از لحاظ کاربردی، نتایج این تحقیق می‌تواند در جهت فهم بهتر پدیده‌های مرتبط با مهدویت و اتخاذ رویکردهای مناسب در مواجهه با جریان‌های انحرافی مفید باشد.

بدین منظور، برای رسیدن به پاسخ مسئله، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود. در همین راستا داده‌ها از منابع جریان‌های انحرافی و دیگر منابع مرتبط گردآوری شده و با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی می‌شوند.

در بررسی پیشینه پژوهش، مشخص می‌گردد که علیرغم توجه فزاینده‌ی اهمیت باور به مهدویت و پدیده ظهور برخی گروه‌ها و مدعیان مرتبط با آن در سالیان اخیر، همچنان تحلیل علمی و نظام‌مند درباره چگونگی و میزان تأثیرگذاری مشخص گفتمان‌ها و اشکال کنشگری این جریان‌های متنوع (فارغ از قضاوت ارزشی درباره آن‌ها) بر ابعاد کلیدی امنیت در جامعه و نظام سیاسی ایران، به ویژه امنیت سیاسی و اجتماعی، همچنان با خلأهای پژوهشی مواجه است.

با این وجود، برخی مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر قابل ذکر هستند. از جمله می‌توان به مقاله «آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران» اثر علیرضا

قاضی زاده^۱؛ «آسیب شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام» نوشته عبدالحسین خسرو پناه^۲؛ و پژوهش «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی» اثر ابراهیم حاجیانی^۳ اشاره کرد. این مقالات، اگرچه به تحلیل آسیب‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از فرقه‌هایی با رویکردهای انحرافی می‌پردازند، اما تمرکز اصلی آن‌ها به‌طور خاص بر جریان‌ات مرتبط با مهدویت نیست و از این منظر دارای محدودیت‌هایی در پوشش کامل موضوع این پژوهش می‌باشند.

در ادامه بررسی پیشینه پژوهش، شایان ذکر است که پژوهش‌های دیگری نیز توسط نگارنده این مقاله و با همکاری حجت‌حیدری چراتی صورت پذیرفته است. این مطالعات شامل مقالاتی با عناوین «تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی»^۴؛ «بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدوی در جامعه ایران»^۵ و «بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه»^۶ می‌باشند.

هر چند این مقالات به‌طور مستقیم به جریان‌ات مرتبط با مهدویت پرداخته‌اند، اما با توجه به اینکه تمرکز اصلی آن‌ها بر تحلیل یک گروه خاص و محدود (جریان منصور هاشمی خراسانی) بوده است، نمی‌توانند به‌طور کامل پاسخگوی نیاز پژوهش حاضر باشند. بر همین اساس وجه

۱. قاضی‌زاده، آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران، صص ۱۴۹-۱۹۰.

۲. خسرو پناه، آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام، صص ۵-۲۸.

۳. حاجیانی، بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی، صص ۲۳۳-۲۵۱.

۴. حیدری چراتی، ندولو، تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی، صص ۷۰-۹۰.

۵. همان، بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدوی در جامعه ایران، صص ۹۵-۱۲۰.

۶. همان، بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه، صص ۳۳-۶۸.

تمایز پژوهش حاضر در آن است که با اتخاذ رویکردی جامع‌تر و تطبیقی، طیف گسترده‌تری از جریان‌های انحرافی مهدوی را مورد شناسایی و تحلیل قرار داده و به جای تمرکز صرف بر یک مصداق خاص، به بررسی گفتمان‌ها، الگوهای کنشگری و پیامدهای امنیتی این جریان‌ها بر مؤلفه‌های کلیدی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

بنابراین در ادامه، در راستای نیل به اهداف پژوهش، در گام نخست به تبیین مفاهیم کلیدی مؤثر در فهم دقیق مسئله پرداخته خواهد شد؛ سپس، تأثیر جریان‌ات مورد مطالعه بر ابعاد امنیت سیاسی و اجتماعی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

مفهوم‌شناسی واژگان

- جریان

در تبیین مفهوم «جریان»، لازم است ابتدا به معنای لغوی آن اشاره شود. این واژه در لغت به مفهیمی چون حرکت، روان شدن و به وقوع پیوستن امری دلالت دارد.^۱ در حوزه اصطلاح علوم اجتماعی، «جریان» به یک تشکل، جمعیت یا گروه اجتماعی مشخص اطلاق می‌گردد که علاوه بر برخورداری از مبانی فکری منسجم، دارای نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز بوده^۲ و در پی تأثیرگذاری بر بدنه جامعه است.^۳ بر این اساس، یک جریان را می‌توان با شاخصه‌هایی چون وجود رهبر، داشتن پیرو و رهرو، برخورداری از اندیشه و تفکر مشخص، قابلیت شکل‌گیری و حرکت (عدم توقف در نطفه) و دارا بودن کارکرد و تأثیرگذاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و دینی شناسایی کرد. جریان‌های مهدوی به دلیل دارا بودن این ویژگی‌های محوری در چارچوب این تعریف قرار می‌گیرند.

۱. دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۵، ص ۷۶۷۳؛ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۳۰؛ راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۹۴.

۲. خسرو پناه، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، ص ۹.

۳. اسکندری، درسنامه جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، ص ۳۶؛ ک: مظفری، جریان‌شناسی سیاسی

ایرانیان معاصر، ص ۱۵.

- انحراف

واژه «انحراف» با ریشه «ح ر ف»، به معنای میل و تغییر جهت از مسیر اصلی، مفهومی است که در متون دینی، حقوقی، جامعه‌شناختی و فلسفی معانی گوناگونی یافته است. در قرآن کریم نیز کاربرد آن در قالب «يُحْرِفُونَ الْكَلِمَةَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»^۱ اشاره به تغییر معنا و جایگاه کلام دارد.^۲ در فرهنگ فارسی، واژه‌هایی چون بی‌راه شدن، عصیان و گمراهی معادل آن آورده شده است.^۳ در حوزه جامعه‌شناسی و حقوق، انحراف به معنای نقض هنجارها و قوانین است،^۴ در فرهنگ فلسفی به معنای تمایل از حد وسط و گرایش به یکی از طرفین شیء است که با معنای لغوی همخوانی دارد؛^۵ اما در نگرش دینی، انحراف به خروج از مسیر عبودیت و هدف آفرینش اطلاق می‌شود و نه تنها شامل کج‌رفتاری، بلکه کج‌باوری و تحریف در دین نیز هست.^۶ بر این اساس، معیار اصلی در تعریف جریان‌های انحرافی در پژوهش حاضر، نادیده گرفتن آموزه‌های اصیل دینی، جعل روایت، ادعای مقام‌های خاص بدون نص معتبر، تطبیق نشانه‌های خاص بر خود و تحریک احساسات مردم با استفاده از تفاسیر جانبدارانه از روایات، برای ایجاد شکاف در وحدت اسلامی است. اموری که انحرافی بودن آن‌ها نه صرفاً بر اساس موازین عرفی، بلکه بر پایه شاخص‌های ثابت دینی و معرفت‌شناختی سنجیده می‌شود.

۱. النساء: ۴۶؛ المائده: ۱۳.
۲. راغب، پیشین، ص ۲۲۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۲.
۳. معین، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۰؛ دهخدا، پیشین، ج ۳، ص ۳۴۸۳۳.
۴. سلیمی، جامعه‌شناسی کجروی‌ها، ص ۱۲۲؛ کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۷۲؛ صدر، قرآن و پدیده انحراف در جامعه، ص ۱۶.
۵. صلیبا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۱۶۹.
۶. صدر پیشین.

واژه «امنیت» ریشه در ماده (أ م ن) دارد و در لغت بر دو معنای نزدیک به هم دلالت می‌کند: ۱. آرامش دل؛ و ۲. تصدیق. ابن فارس این ریشه را به دو اصل امانت (ضد خیانت و به معنای آرامش دل) و گواهی دادن مرتبط دانسته و می‌گوید: فردی قابل اعتماد است که مردم از او در امان باشند و نگران ایجاد غائله توسط او نباشند.^۱ راغب نیز ریشه امن را به آرامش خاطر و رفع نگرانی بازمی‌گرداند.^۲ فرهنگ‌های لغت فارسی نیز این واژه را به ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی^۳ و آرامش و آسودگی^۴ تعریف کرده‌اند.

با این حال، در حوزه اصطلاح علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ارائه تعریفی واحد و مشخص برای «امنیت» با چالش‌های جدی مواجه است، به گونه‌ای که بیش از ۱۵۰ تعریف برای آن ارائه شده است که به طور کلی می‌توان آن‌ها را در دودسته اصلی جای داد:^۵ الف) تعریف سلبی که امنیت را به معنای «نبود تهدید» یا وضعیتی که در آن خطری نسبت به منافع بازیگر وجود نداشته یا توانایی دفع و مدیریت آن وجود داشته باشد، معرفی می‌کند.^۶ ب) تعریف ایجابی که رویکردی درون‌نگر داشته و اولویت را به تحولات داخلی می‌دهد و امنیت را وضعیتی می‌داند که در آن نسبت متعادلی میان خواسته‌ها و کارآمدی نظام حاکم وجود داشته و منجر به تولید رضایت نزد اعضای واحد سیاسی گردد.^۷ به عبارت دیگر، می‌توان گفت امنیت در رویکرد اثباتی پدیده‌ای ذهنی و ادراکی است که تحقق آن مستلزم ایجاد اطمینان خاطر در ذهن مردم،

۱. ابن فارس، پیشین، ص ۱۳۴.

۲. راغب، پیشین، ص ۹۰.

۳. معین، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴.

۴. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵. افتخاری، فرهنگ امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها، ص ۹-۲۹.

۶. همان، کالبد شکافی تهدید، ص ۲۷.

۷. همان.

دولتمردان و حاکمان نسبت به وجود شرایط ایمن برای ادامه حیات بدون دغدغه است. با این حال، این برداشت از امنیت به شدت تحت تأثیر عوامل بیرونی و تحولات محیطی قرار دارد. بر این اساس، در این تحقیق، مقصود از امنیت، ترکیبی از هر دو رویکرد سلبی و ایجابی است؛ به نحوی که هم جنبه‌ی محافظت در برابر تهدیدهای خارجی و هم ایجاد انسجام و رضایت درونی در بستر جامعه را شامل می‌شود.

- تضعیف

واژه تضعیف مصدر باب تفعیل از ریشه (ض ع ف) است که در کتب لغت دارای دو اصل معنایی متفاوت دانسته شده است: یکی دلالت بر ضعف و کاستی در قدرت و توان (ضَعْف و ضَعْف) و دیگری دلالت بر افزایش و مضاعف سازی شیء (مُضاعفة) دارد.^۱ در کاربرد نخست، ضعف به معنای نقصان در توان جسمی یا فکری است و واژگانی مانند «رَجُلٌ ضعیف»، «قومٌ ضَعفاء» و «ضَعاف» در این معنا به کار می‌روند. خلیل بن احمد در العین نیز تأکید می‌کند که «أضعفته إضعافاً» یعنی او را در حالت ضعف قرار دادم؛ حال آنکه در معنای دوم، افعالی چون «ضاعفت» به معنای افزودن بر اصل چیز است.^۲ ابن منظور در لسان العرب ضمن نقل اقوال مختلف، تفاوت میان فتح و ضمّ در واژه «ضعف» را بیان می‌کند؛ به طوری که «ضَعْف» (با فتح) در رأی و عقل و «ضَعْف» (با ضم) در بدن استعمال می‌شود، گرچه برخی لغویان هر دو صورت را در هر زمینه‌ای جایز دانسته‌اند.^۳ در همین راستا لغتنامه‌های فارسی ضعف را به معنای ناتوان ساختن، کم توان کردن، سست و بی‌رمق کردن، کاهش یافتن قدرت دانسته‌اند.^۴

۱. ابن فارس، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. ابن منظور، پیشین، ج ۹، ص ۲۰۳.

۴. معین، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰۸؛ دهخدا، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۵۱۷۱.

اما از آنجایی که در زبان عربی، باب تفعیل معمولاً بر ایجاد کردن حالت یا شدت بخشیدن به معنی ریشه دلالت دارد؛ بنابراین «تضعیف» به معنای «ایجاد ضعف» یا «شدید کردن ضعف» است. از این روی مراد از تضعیف در این تحقیق به معنای اختلال در عملکرد مطلوب و تزلزل در موقعیت به منظور کاهش قدرت نظام و توانایی آن در مقابله و یا مدیریت تهدیدات است. به عبارت دیگر، تضعیف در این جستار به معنای تلاش برای کاهش قدرت، مشروعیت یا کارآمدی ساختار حاکمیت در برابر تهدیدات و تحولات محیطی است. بدین منظور، ابتدا برخی از مؤلفه‌های امنیت بخش در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی تبیین شده، سپس تأثیر جریان‌های انحرافی در تضعیف امنیت کشور، بر پایه عناصر و مؤلفه‌های بیان شده، تحلیل و ارزیابی می‌شوند.

مؤلفه‌های بنیادین امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران

در نظام جمهوری اسلامی ایران، امنیت مفهومی چندلایه و برآمده از مبانی دینی، انقلابی و مردمی است که در قالب مؤلفه‌های بنیادینی تبلور یافته است و هرکدام به نوبه خود نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری و امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد و ضامن بقای نظام در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. از این رو تضعیف هر یک از این مؤلفه‌ها، تأثیر مستقیم بر امنیت در جامعه ایران دارد. از جمله این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

- اسلامیت نظام

اسلامیت نظام به عنوان چارچوب مشروعیت بخش حاکمیت، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های امنیت در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. همان‌گونه که امام علی علیه السلام نیز اسلام را به عنوان منشأ امنیت معرفی کرده می‌فرماید: «خداوند اسلام را (محل) امن قرار داد، برای کسی که خود را به آن متصل کرد (به دستور آن رفتار نمود) و (نشانه) صلح و آشتی برای کسی که در

آن داخل گشت.^۱ این روایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در نهج البلاغه آمده، به یکی از ابعاد بنیادین اسلام یعنی کارکرد امنیت‌زای آن اشاره دارد. حضرت علی علیه السلام در این سخن، اسلام را نه فقط یک نظام اعتقادی یا شریعت‌عبادی، بلکه یک «محل امن» معرفی می‌کند؛ یعنی اسلام به عنوان یک ساختار دینی و اجتماعی، نقش پناهگاه و بستری برای آرامش، ثبات و امنیت ایفا می‌کند. این امنیت، هم بُعد فردی دارد - چنان‌که هرکس به آن بپیوندد و بدان تمسک جوید، از اضطراب، گم‌گشتگی و خطرات معنوی و دنیوی در امان می‌ماند - و هم بُعد جمعی، به گونه‌ای که جامعه اسلامی در پرتو التزام به آموزه‌های آن، به صلح، آرامش و همزیستی منتهی می‌شود.

به عبارت دیگر، این مؤلفه (اسلامیت نظام) در قالب یک شبکه ارزشی عمل می‌کند که در آن، قدرت سیاسی با نظام ارزشی دینی پیوند می‌خورد. در چنین حالتی، زمانی که میان قدرت و ارزش‌های دینی ارتباط برقرار گردد، اقتدار مشروع شکل می‌گیرد و ثمره آن در قالب امنیت پایدار در جامعه نمایان می‌شود. بر همین اساس، در الگوی حکومت اسلامی که در عصر غیبت در نظریه سیاسی شیعه با نهاد ولایت فقیه تجسم یافته است، اسلام، نقش محوری در تأسیس و استمرار این رابطه ایفا می‌کند.

در این چارچوب، ارزش‌ها نه تنها به عنوان جهت‌دهنده کنش سیاسی عمل می‌کنند، بلکه تعیین می‌کنند چه اموری آن‌چنان اهمیت دارند که انسان‌ها حاضرند در راه آن‌ها جان خود را فدا کنند.^۲ مکتب اسلام با تولید ارزش‌های توحیدی در جامعه، نگرش خاصی به جهان ارائه داده و بر اساس آن، معیارهایی روشن برای سیاست‌گذاری و تعریف منافع ملی و اقتدار دولت اسلامی فراهم می‌آورد. به واسطه همین جهان‌بینی اسلامی، اصول و ضوابط مشخصی برای جلوگیری از انحراف از مسیر ترسیم شده ارائه می‌گردد و به‌ویژه با تأکید بر استمرار خط نبوت از طریق امامت و ولایت فقیه، از سلطه‌پذیری و حاکمیت بیگانگان بر امت اسلامی جلوگیری به عمل می‌آید. از

۱. فجعله أمناً لمن علقه و سلما لمن دخله، شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶ (صبحی صالح).

۲. ر.ک: گیدنز، جامعه‌شناسی گیدنز، ج ۱، ص ۳۵.

این‌رو، این مؤلفه به عنوان مبنایی برای امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در آن امنیت نه از طریق ابزار قهرآمیز، بلکه از مسیر التزام به دین، ولایت و عدالت اجتماعی محقق می‌شود.

- ولایت فقیه و رهبری دینی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه رهبری و نهاد ولایت فقیه است که به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت، نقش محوری دارد. به عبارت دیگر رهبری در هر نظام اجتماعی، عامل سازماندهی، جهت‌دهی و روحیه‌بخشی به گروه‌های اجتماعی است و از طریق ایجاد هماهنگی و تقویت همبستگی، مانع از بروز شکاف‌های درونی و تزلزل در ارکان جامعه می‌شود. به ویژه در مواردی که رهبر از ویژگی‌های فرهمندانه (کاریزماتیک) نیز برخوردار باشد، تأثیرگذاری ایشان در بسیج عمومی و هدایت جامعه افزون‌تر می‌گردد. به تعبیر گالبرایت، رهبری متنفذ با تکیه بر اقناع، باور آفرینی و نفوذ کلام، در تحقق قدرت نرم نقش آفرینی می‌کند.^۱

اگرچه از منظر مفهومی میان «ولایت فقیه» و «رهبری کاریزماتیک» تفاوت‌هایی وجود دارد، اما هر دو در ایجاد انسجام اجتماعی و پیشگیری از بحران‌ها و تهدیدهای امنیتی نقشی مشترک ایفا می‌کنند. چنان‌که امام علی علیه السلام نقش رهبری را به ریسمانی تشبیه می‌کند که دانه‌های تسبیح را به هم پیوند می‌دهد؛ اگر این رشته گسسته شود، مهره‌ها پراکنده خواهند شد و گردآوری مجدد آن‌ها دشوار خواهد بود.^۲ از همین رو، امام خمینی رحمته الله علیه نیز تأکید می‌فرمایند که نظام اسلامی با نظارت و ولایت فقیه از آسیب‌ها مصون خواهد بود.^۳ بنابراین، مقام رهبری در نظام اسلامی ایران، به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های امنیت آفرین، با بهره‌گیری از منابع مادی و معنوی، بسیج

۱. رک: گالبرایت، آناتومی قدرت، ص ۴۰.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، (صبحی صالح).

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۵.

نیروها، تکیه بر ارزش‌های الهی نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت ملی و عبور کشور از بحران‌های داخلی و خارجی دارد.

- پایگاه مردمی نظام

یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادین امنیت در جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از پایگاه مردمی است. هرچند مشروعیت حکومت اسلامی از منظر دینی، برخاسته از جانب خداوند متعال است، اما مقبولیت و دوام آن در گرو اراده و پذیرش عمومی مردم قرار دارد. بر همین اساس، در اندیشه سیاسی اسلام، تحقق و پایداری نظام اسلامی وابسته به مشارکت و همراهی ملت با حاکمیت است؛ از این رو، حضور مستمر مردم در عرصه‌های مختلف حمایت و پشتیبانی از دولت اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت و ثبات سیاسی ایفا می‌کند. این اصل، با الهام از آموزه‌های اسلامی، توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی علیه السلام، در قالب نظریه «مردم‌سالاری دینی» مطرح شد و با کلیدواژه‌هایی همچون «حضور مردم در صحنه» و «سپردن امور به دست مردم» تبیین گردید.^۱

در این راستا، امام خمینی یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را حضور و مشارکت مردم در پشتیبانی از استقرار حکومت اسلامی دانسته^۲ و بر این بر این باور بود که اعتراضات گسترده مردمی علیه رژیم پهلوی، مشروعیت آن را به چالش کشیده و سقوط آن را رقم زد^۳؛ چرا که ایشان اعتقاد داشت، حکومتی که بر اراده ملت تکیه ندارد، ولو از قدرت ظاهری برخوردار باشد، نمی‌تواند پایداری کند.^۴ به عبارت دیگر، همان‌گونه که مردم در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب، نقش اساسی داشتند، حفظ امنیت و بقاء نظام اسلامی نیز به مشارکت، حمایت و

۱. ساداتی‌نژاد، بیات و...، مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در اسلام، ص ۴۷۹.

۲. امام خمینی، پیشین، ج ۶، ص ۵۱۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۷۳.

۴. همان، ج ۷، ص ۵۱۰.

همبستگی عمومی مردم وابسته است. بر این اساس، این پیوند دو سویه میان حکومت و ملت، به ویژه در سایه رهبری دینی و انسجام ملی، الگویی بی بدیل از حکمرانی اسلامی را پدید آورده که توانسته در برابر چالش‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی ایستادگی کند.

- وحدت و انسجام داخلی

وحدت و انسجام ملی یکی دیگر از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران و بلکه هر نظام سیاسی به شمار می‌آید و نقشی اساسی در پایداری و اقتدار آن ایفا می‌کند. تجربه‌های تاریخی و نظریات علوم سیاسی نیز بر این اصل تأکید دارند که جامعه‌ای که از درون دچار تفرقه، شکاف‌های اجتماعی و نزاع‌های سیاسی و مذهبی باشد، نه تنها از ثبات و امنیت بهره‌مند نخواهد شد، بلکه موجودیت و بقای آن نیز به خطر خواهد افتاد. در مقابل، انسجام داخلی و وحدت ملی موجب شکل‌گیری یک اراده جمعی منسجم و افزایش ظرفیت‌های ملی برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی خواهد بود.

در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران که دارای تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی است، نیاز دو چندان به تقویت این مؤلفه امنیت‌آفرین دارد. دشمنان خارجی نیز با درک این واقعیت راهبردی، همواره در پی بهره‌برداری از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، تحریک تنش‌های مذهبی و قومیتی و تعمیق اختلافات داخلی برای تضعیف انسجام ملی و برهم زدن ثبات کشور بوده‌اند. بدیهی است که در چنین شرایطی، تضعیف وحدت ملی می‌تواند نه تنها زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی، بلکه موجب فرسایش قدرت بازدارندگی دفاعی کشور نیز گردد. از این رو، این مؤلفه به عنوان یکی از ستون‌های امنیت ملی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای استمرار ثبات و اقتدار جمهوری اسلامی ایران دارد.

از دیگر مؤلفه‌های امنیت در جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به نظام فرهنگی مقاوم مبتنی بر ارزش‌های دینی و استقلال سیاسی همراه با نفی سلطه‌پذیری اشاره کرد. به گونه‌ای که بر اساس

این مؤلفه‌ها که بر خواسته از ارزش‌های دینی است روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر آسیب‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی تقویت شده و از تسلط گفتمان‌های بیگانه بر فضای اجتماعی و سیاسی کشور جلوگیری به عمل می‌آید. این نظام فرهنگی، الگوی خاص از زیست اجتماعی سیاسی ارائه می‌کند که بر پایه آن حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقویت می‌شود.

بر همین اساس، در گفتمان انقلاب اسلامی استقلال سیاسی و نفی سلطه‌پذیری از اصول کلیدی تأمین امنیت به شمار می‌آید. بدین جهت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر این اصل، هرگونه وابستگی سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی به قدرت‌های سلطه‌گر را نفی نموده و تلاش می‌کند با حفظ مواضع مستقل و عزتمندانه، از منافع ملی خود صیانت نماید. بدین ترتیب، این اصل، نقش مهمی در بازدارندگی در برابر تهدیدات داشته و دارد.

این در حالی است که مؤلفه‌های یادشده، به همراه سایر عناصر سازنده امنیت در جمهوری اسلامی ایران - که پرداختن به تمامی آن‌ها در چارچوب این مقاله امکان‌پذیر نیست - در معرض تأثیرپذیری از گفتمان‌ها و رفتارهای جریان‌های انحرافی مهدوی قرار دارند. از این رو، ضروری به نظر می‌رسد که نحوه تأثیرگذاری این جریان‌ها بر مؤلفه‌های امنیت ملی مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

جریان‌های انحرافی مهدوی و اختلال در نظم کارکردی عناصر امنیت

همان‌گونه که بیان شد، جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌ها و عناصر درون‌زایی در حوزه امنیت برخوردار است که نقش بسزایی در تقویت بنیان‌های امنیت ملی ایفا می‌کنند. با این حال، جریان‌های انحرافی مهدوی با تفاسیر ناصواب و فاقد مستندات معتبر از مفاهیم دینی، به‌ویژه آموزه مهدویت، اقدام به بازتعریف نهادهای مشروع دینی و سیاسی می‌نمایند و از این رهگذر، به صورت جدی موجبات اختلال در ساختار امنیتی کشور را فراهم می‌آورند. این جریان‌ها با

تضعیف مبانی مشروعیت نظام، زمینه‌ساز بروز شکاف‌های اعتقادی و اجتماعی در جامعه می‌شوند. همچنین، از طریق بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی و انتشار شبهات هدفمند، موجب ایجاد سردرگمی در افکار عمومی شده و زمینه‌های بی‌اعتمادی نسبت به ساختار رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در خصوص تأثیر جریان‌های انحرافی بر امنیت ملی، برخی از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت این جریان‌ها در جامعه عبارت‌اند از:

- تلاش برای سلب هویت اسلامی نظام

یکی از مهم‌ترین راهبردهای جریان‌های انحرافی مهدوی در جهت اختلال در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای سلب هویت اسلامی نظام از طریق تضعیف مبانی دینی و اعتقادی آن است. از این‌رو، این جریان‌ها با ارائه قرائت‌های تحریف‌شده از آموزه‌های دینی، به‌ویژه در حوزه مهدویت، درصدد القای این ادعا هستند که نظام اسلامی موجود فاقد ارتباط حقیقی با مفاهیم اصیل دینی است.

عمده تلاش این جریان‌ها برای القای سلب هویت اسلامی نظام، مبتنی بر این ادعاست که بر اساس برخی قرائت‌های خاص از آموزه‌های شیعه، هرگونه تلاش برای تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، نامشروع و مردود است. بر مبنای این برداشت، دخالت در امر سیاست و تشکیل حاکمیت دینی پیش از ظهور امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به منزله تخطی از اصول اصیل تشیع تلقی می‌شود. بر همین اساس، این جریان‌ها، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل استقرار نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه در دوران غیبت، فاقد مشروعیت و هویت اصیل اسلامی معرفی می‌کنند و تلاش می‌نمایند تا جمهوری اسلامی ایران را نیز در ردیف حکومت‌های طاغوتی به مخاطبان و پیروان خود معرفی نمایند. برای مثال جریان منصور هاشمی خراسانی در سلب این هویت و نفی مشروعیت نظام می‌نویسد:

ولی ولایت در افتا و حکومت با هیچ تقریری برای غیر خداوند و خلیفه او در زمین ثابت نیست و کسانی که برای غیر خداوند و خلیفه او در زمین، ولایتی در افتا یا حکومت قائل هستند، مشرک‌اند. توفیق آنان را در «بازگشت به اسلام» را از درگاه خداوند مهربان مسئلت داریم؛ چراکه او توبه پذیر می‌باشد.^۱

یا شیخ محمود حلبی، مؤسس انجمن حجتیه، در سخنرانی‌های خود تأکید می‌کند که اقدام برای تأسیس حکومت سیاسی و مدیریت جامعه باید حتماً به دست پیشوای معصوم انجام شود و حرکت در این مسیر به وسیله شخص غیر معصوم، خود مصداق کج‌روی و انحراف از موازین اسلامی و شیعی تلقی می‌شود.^۲ قبل از حلبی، فرقه شیخیه نیز مروج این دیدگاه بود. در این زمینه محمد کریم خان کرمانی می‌نویسد: «جهاد با غیر امام مفترض الطاعه حرمتش مثل حرمت مردار و خون و گوشت خوک است» و تنها قیامی مشروع است که در کنار امام معصوم و عادل باشد.^۳ بر همین اساس در نگاه رهبر شیخیه کرمان، هر کس در زمان غیبت امام عصر خروج کند و دست به قیام مسلحانه بزند، مصداق جبت و طاغوت خواهد بود و چنین شخصی دچار فسق ظاهری است.^۴

بدین ترتیب، این دیدگاه‌ها، در چارچوب راهبردی کلان قرار می‌گیرند که هدف آن سلب هویت اسلامی از نظام و مشروعیت‌زدایی از ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. مبتنی بر این دیدگاه، قرائت دینی جمهوری اسلامی، نه تنها قرائتی صحیح از آموزه‌های اسلامی به ویژه در ابعاد سیاسی آن نیست، بلکه قرائتی التقاطی و منحرف از مسیر صحیح آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی منصورهاشمی خراسانی، ۱۳۹۵، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/۷۷۵۶>.

۲. اخگری، ولایتی‌های بی ولایت، ص ۷۹.

۳. کرمانی، رساله نصریه در جهاد، ص ۶۶؛ همو، ازهاق الباطل فی رد الباییه، ص ۱۲۷.

۴. همان، سی فصل، ص ۳۵؛ همو، ازهاق الباطل فی رد الباییه، صص ۱۲۷-۶۴.

در این چارچوب، اسلامیت نظام - که با پیوند ارزش‌های توحیدی با ساختار قدرت، نقش مؤثری در تولید و حفظ امنیت ایفا می‌کند - با چالش مواجه شده و کارکرد خود را از دست می‌دهد. نتیجه چنین وضعیت فکری، بروز سردرگمی، تردید در مشروعیت نظام و تزلزل در وفاداری مردم نسبت به حاکمیت است. این تزلزل می‌تواند باعث کاهش انگیزه برای مقاومت، جان‌فشانی و پشتیبانی از نظام شده و در نهایت، موجب تضعیف امنیت درون‌زا و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران گردد.

- تضعیف جایگاه رهبری دینی و ولایت فقیه در جامعه

یکی دیگر از محورهای اصلی فعالیت جریان‌های انحرافی مهدوی در راستای تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تخریب جایگاه رهبری دینی و سیاسی در ساختار نظام است. جایگاه رهبری به عنوان رکن بنیادین در نظام ولایت فقیه، نقش محوری در سازمان‌دهی جامعه، حفظ انسجام ملی و هدایت مؤلفه‌های مادی و معنوی قدرت ایفا می‌کند. از این رو، تضعیف این نهاد نه تنها مشروعیت سیاسی نظام را نشانه می‌رود، بلکه امنیت روانی و انسجام اجتماعی را نیز با چالش مواجه می‌سازد.

در این راستا، جریان‌های انحرافی با اتخاذ قرائت‌های خاص از آموزه‌های دینی و القای این اندیشه که در عصر غیبت، هیچ فردی جز امام معصوم علیه السلام صلاحیت رهبری جامعه را ندارد، درصد بی‌اعتبار ساختن جایگاه رهبری فقیه هستند. در این خصوص، رهبران شیخیه کرمان، در عصر غیبت وظیفه‌ای فراتر از ولایت بر امور فردی دینی برای فقها قائل نیستند؛ به گونه‌ای که محمد کریم خان تأکید می‌کند که تنها وظیفه علماء تعلیم جاهلان^۱ و «حفظ دین از مندرس شدن»^۲ است. ایده‌ای که در دایره این گروه محدود نشده و به سرعت از سوی دیگر جریان‌های

۱. کرمانی، مکارم‌الابرار، ج ۸، ص ۷.

۲. همان، سی فصل، ص ۳۵.

انحرافی مانند بهائیت^۱ و جریان انجمن حجتیه، مدعی یمانی و منصور هاشمی خراسانی نیز پیگیری شده است.

برای مثال، جریان منصور هاشمی خراسانی در این جهت می‌نویسد:

«ولایت مطلقه فقیه» گذشته از آنکه بدعتی آشکار و بی‌پیشینه در فقه شیعه محسوب می‌گردد و از لحاظ نظری، اصلی در اسلام ندارد، می‌توان آن را تقلایی مذبوحانه برای استفاده ابزاری از دین در حوزه سیاست و رهایی از بحران مشروعیت در دوران غیبت مهدی دانست.^۲

یا یکی از پیروان جریان احمد اسماعیل بصری مدعی یمانی، در جهت تخریب این جایگاه، آن را مسئله نوظهور در فقه شیعه معرفی نموده و چنین القاء می‌کنند که هیچ دلیلی برای اثبات آن وجود ندارد. بر همین اساس، چنین القاء می‌کنند که:

اعتقاد به ولایت فقیه به معنای جایگزین کردن معصوم با غیر معصوم است. باید توجه داشت که دین الهی پیاده برای تضمین سالم‌سازی شریعت و احکام آن قائم بر وجود شرط عصمت در مجرای پیاده‌سازی است و اگر غیر معصوم متصدی شود — چه در فتوا، چه در قضاوت و چه در ولایت — این سلامت تضمین نمی‌شود؛ پس تمامی این مناصب که به فقیه داده شده‌اند مناصب اختصاص یافته به معصوم علیه السلام هستند و دلایل، به اثبات آن‌ها برای فقیه در زمان غیبت، هیچ تصریحی نکرده‌اند.^۳

۱. عبدالبهاء، رساله سیاسیه، ص ۱۹-۳۰.

۲. حسینی، ۱۳۹۴؛ نظریه‌ی «ولایت مطلقه‌ی فقیه»؛ بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا بن‌بست لاینحل مشروعیت؟!.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/6034/>

۳. منصوری، ولایت فقیه در زمان غیبت، ص ۱۲.

دقیقاً همان استدلالی که شیخ محمود حلبی در اوایل شروع انقلاب اسلامی در توجیه عدم همراهی خود و همچنین بازداشتن مردم از همراهی ایشان، در تخریب جایگاه امام خمینی علیه السلام به زبان می‌آورد. آنجایی که می‌گوید:

اول شما یک افسر و یک پیشوا و رهبر معصوم پیدا کنید. رهبری که بتواند اداره اجتماع کند. روی نقطه عصمت، نه عدالت، ... اول او را پیدا کنید ... از من هم واجب است منبر را ول کنم. هفت تیر به کمر ببندم، بروم جلو ... این کلمات علی جایش آنجاست نه هرجایی، نه به هر هدف غلطی و هر راه کجی و معوجی و خلافی ... باید جنگ روی موازین دین به رهبری معصوم نه عادل، عادل کافی نیست.^۱

انجمن نه تنها مبارزه امام با رژیم ستم را مسخره می‌کرد، بلکه راه امام را راه ضلالت می‌خواند. آقای حلبی با تعبیرات، و زور پشه را چه به فانتوم، یک خودکاری در دست گرفته و با اعلامیه نوشتن می‌خواهند آمریکا را شکست دهد. در راه انقلاب سنگ می‌انداخت؛ و درست زمانی که امام خمینی حکم تحریم جنش نیمه شعبان را در سال ۵۷ برای احترام به خون شهدا صادر فرمود، حسین تاجری از مسئولین انجمن با گروهی جهت اخذ تکلیف به قم نزد آیت‌الله شریعتمداری می‌روند و هماهنگ با رژیم اقدام به جشن گرفتن می‌کنند؛ و بعد هم آقای حلبی می‌گوید که باید در تقوای ایشان (امام) شک کرد.^۲

تحلیل محتوای گفتارها و مواضع جریان‌های انحرافی مهدوی نشان می‌دهد که حمله به اصل «ولایت فقیه» به عنوان ستون فقرات نظام سیاسی جمهوری اسلامی، بخشی از راهبرد کلی آنان برای مشروعیت‌زدایی از حکومت دینی در عصر غیبت است. استدلال محوری این جریان‌ها، تأکید بر انحصار حق حاکمیت دینی برای امام معصوم علیه السلام است؛ رویکردی که عملاً با نفی

۱. اخگری، پیشین، ص ۵۵.

۲. همان.

هرگونه سازوکار دینی برای اداره جامعه در عصر غیبت، به ترویج نوعی خلأ سیاسی-مذهبی در ذهن مخاطب منتهی می‌شود. این استدلال، گرچه در ظاهر مبتنی بر برخی مبانی اعتقادی شیعه بیان می‌شود، در واقع نوعی تحریف آموزه‌های شیعی در حوزه امامت و غیبت است و با نادیده گرفتن نظریه‌های رقیب، درباره ولایت فقیه، تلاش دارد بستر ذهنی جامعه را برای تضعیف مشروعیت و مقبولیت رهبری دینی آماده کنند و گفتمان خود را تنها قرائت صحیح دینی به مخاطبان القاء نمایند.

این جریان‌ها، با ارائه تفسیرهای خاص و بعضاً التقاطی از مفاهیم «عصمت»، «ولایت» و «حکومت»، تلاش دارند با القای بدعت بودن ولایت فقیه یا ناتوانی فقهای غیر معصوم در اداره جامعه، اعتماد عمومی نسبت به جایگاه رهبری را تضعیف کرده و از این مسیر، شکاف‌های اعتقادی و سیاسی در جامعه ایجاد نمایند. پیوستگی تاریخی این دیدگاه با مواضع چهره‌هایی چون شیخ محمود حلبی در دهه ابتدایی انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده استمرار یک خط فکری مشترک در انکار صلاحیت دینی فقها برای رهبری اجتماعی است؛ خطی که با نفی اصل کارآمدی و مشروعیت فقیه در دوران غیبت، اساس اسلامیت نظام را هدف گرفته و امنیت اعتقادی و نهادی جامعه را با تهدیدی جدی مواجه می‌سازد و منتهی به تضعیف جایگاه اجتماعی رهبری در میان اعضای جامعه می‌شود.

این تلاش‌ها در قالب تبلیغات هدفمند، شبهه‌افکنی اعتقادی و زیر سؤال بردن صلاحیت‌های علمی و مدیریتی رهبر جامعه صورت می‌گیرد. به این ترتیب، این جریان‌ها در راستای راهبرد کلان مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی حرکت کرده و با تضعیف رکن رهبری، در بنیان‌های امنیتی کشور اختلال ایجاد می‌کنند.

- تضعیف پایگاه مردمی

یکی دیگر از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از فعالیت جریان‌های انحرافی مهدویت، ایجاد پایگاه اجتماعی و فرهنگی در بطن جامعه ایران و در مقابل، تضعیف سرمایه اجتماعی و پایگاه مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران است. هرچند مشروعیت نهایی حکومت در منطق دینی از ناحیه خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد، اما دوام و پویایی آن، به‌ویژه در سنت اسلامی و اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، بر بستر پذیرش و همراهی مردم استوار است.^۱ چراکه خداوند، انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته و در نتیجه، حضور و نقش‌آفرینی مردم در حمایت از دولت دینی، عنصری کلیدی در تحقق و تداوم امنیت ملی و ثبات سیاسی به‌شمار می‌رود.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، این مشارکت مردمی نه تنها به‌مثابه پشتوانه‌ای برای مشروعیت نظام تلقی می‌شود، بلکه ضامن پایداری در برابر دشمنی‌ها و بحران‌های داخلی و خارجی نیز هست. به‌گونه‌ای که مردم، به‌عنوان صاحبان اصلی انقلاب، در تکوین و تثبیت آن نقش داشته‌اند و بقای آن نیز در گرو تداوم همین حمایت است. اندیشه امام خمینی علیه السلام در باب «حضور مردم در صحنه» و «سپردن امور به دست ملت» ناظر به همین حقیقت است.

در چنین چارچوبی است که تلاش جریان‌های انحرافی مهدوی برای کاستن از سرمایه‌ی اجتماعی نظام، چهره خطرناکی به خود می‌گیرد. این جریان‌ها با نقابی از دین‌داری، اما باطنی آلوده به تردید افکنی، حملات خود را متوجه اساس مشروعیت نظام جمهوری اسلامی کرده‌اند. آنان می‌کوشند با سست کردن باورهای دینی و سیاسی مردم، زمینه‌ی تقابل با نظام را فراهم آورند و به‌جای ارائه راه‌حل و همدلی با دغدغه‌های اجتماعی، ناهنجاری‌ها را تقویت می‌کنند، ارزش‌ها را به چالش می‌کشند و دشمنی با حاکمیت دینی را درون جامعه گسترش می‌دهند. در همین راستا در نوشته‌ای از اعضای شاخص جریان منصور هاشمی، به‌صراحت آمده است:

۱. ایمانی سطوت، مولفه‌های قدرت در دولت اسلامی، ص ۱۷۲.

حاکمان وقت ایران نه تنها در عمل به وعده‌های خود مبنی بر ایجاد رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم با استقرار حکومت دینی و تشکیل جامعه اسلامی ناکام مانده‌اند، بلکه در جهت کاملاً برعکس، ریشه دین‌داری را در جامعه خشکانده‌اند...^۱

یا در ایام انتخابات که نماد برجسته‌ای از مشارکت مردمی و تجلی مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، جریان‌های انحرافی مهدوی با هماهنگی گفتمانی با مخالفان نظام، به تخریب این فرایند ملی و تضعیف مشروعیت آن می‌پردازند. این گروه‌ها مشروعیت حضور در انتخابات را تنها در شرایط اضطرار و به منظور تقیه مجاز می‌دانند و حتی در صورت شرکت، پیروان خود را به انداختن رأی سفید یا نوشتن نام امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه بر برگه رأی ترغیب می‌کنند.^۲ بر همین اساس، جریان منصور هاشمی خراسانی با سوءاستفاده از نارضایتی‌های موجود، مخاطبان را در سه مرحله‌ی فکری، اجتماعی و عملی به سوی مقابله و براندازی نظام جمهوری اسلامی سوق می‌دهد.^۳

این جریان‌ها برای تحقق اهداف خود از مجموعه‌ای متنوع و ترکیبی از روش‌ها بهره می‌گیرند که در آن، عناصر عقیدتی، روانی و اجتماعی به صورت درهم تنیده مورد استفاده قرار می‌گیرند. از القای ناامیدی نسبت به نظام سیاسی تا برجسته‌سازی مشکلات اقتصادی، همگی در راستای ایجاد ذهنیتی منفی از حکومت جمهوری اسلامی به کار گرفته می‌شود. در این راستا، رهبران شیخیه تأکید می‌کنند؛ چون خداوند انقراض دولت‌ها را تا زمان ظهور نخواست، هر گونه منازعه با آن‌ها، کار عبث و احمقانه است و فایده‌ای نخواهد داشت.^۴ با این حال، بخش مهمی از

۱. رضوی، ۱۴۰۲، از حرف تا عمل؛ کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/.۱۵۴۱۷>

۲. معروف، ۱۳۹۶، انتخابات؛ نمایشگاه قدرت طلبی و ابتذال سیاسی در ایران،

[https://www.alkhorasani.com/fa/content/8254/.](https://www.alkhorasani.com/fa/content/8254/)

۳. هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۶۱.

۴. کرمانی، سی فصل، ص ۳۴-۳۶.

استراتژی آنان مبتنی بر تفسیرهای خاص و جهت‌دار از آموزه‌های دینی است. این جریان‌ها می‌کوشند مشکلات موجود را نتیجه رویکرد سیاسی به مهدویت معرفی کرده و با استناد به برخی روایات ناظر بر نهی قیام پیش از ظهور، حکومت‌های موجود را طاغوتی جلوه دهند.^۱

در همین راستا در کانال تلگرامی منصوب به جریان انجمن حجتیه می‌خوانیم:

باوجود تبیین و تشریح و توضیح دقیق شرایط رو به زوال آخرالزمان از طرف اهل بیت عصمت علیهم‌السلام، متأسفانه بعضی از مردم با فراموش نمودن امام‌زمان علیه‌السلام، همچنان گرفتار انتخاب بین بد و بدتر هستند و انتظار دارند که در غیاب امام علیه‌السلام محوریت بدی، امور را برای آن‌ها را اصلاح کند... انتخابات بین گزینه‌های بد و بدتر همیشه موجب پشیمانی و حسرت رأی دهندگانی است که با برگزیدن بدها خود را در مسئولیت گمراهی و ظلم ایشان سهیم می‌سازند. شیعیان حقیقی مکتب امام جعفر صادق علیه‌السلام واقف به این حقیقت محض وعده داده‌شده الهی هستند که در امواج فتنه‌ها و آشوب‌های زمانه، تنها تجدید بیعت با امام‌زمان علیه‌السلام است که ایشان را به سر منزل مقصود خواهد رساند.^۲

در چنین فضایی، مخاطب با نوعی تعارض درونی و احساس گناه نسبت به حمایت از نظام مواجه می‌شود و در نتیجه، امکان جدایی فکری و عاطفی او از بدنه انقلاب فراهم می‌گردد. این وضعیت، زمینه‌ساز کاهش مشارکت سیاسی، بی‌اعتمادی اجتماعی و در نهایت، تضعیف مشروعیت مردمی نظام اسلامی می‌شود؛ چراکه جایگزینی گفتمان «بی‌عملی در انتظار ظهور» به جای «کنشگری دینی در چارچوب نظام»، نقش‌آفرینی ملت را در حفظ و تقویت حاکمیت اسلامی به حاشیه می‌راند.

۱. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۱۳۸؛ بصری، حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۵۲؛ پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۹، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/>، ۱۲۵۹/۱۲۵۹.

۲. (کانال تلگرامی انجمن حجتیه، ۱۲ اوت ۲۰۲۴، @anjoman-hojjatieh).

- تضعیف همبستگی ملی

همبستگی در فرهنگ علوم سیاسی، همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه (ملی یا بین‌المللی) برای مرفه‌تر و مترقی‌تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز و در جامعه‌شناسی «مجتمع ساختن اجزای جامعه در یک کل هم بسته‌تر و یا جوامع بسیار کوچک را به صورت یک جامعه بزرگ (ملت) در آوردن»، تعریف شده است.^۱ از دیدگاه جغرافیای سیاسی، همبستگی ملی عبارت است از «احساس درونی مشترک و در مقابل آحاد و سکنه یک سرزمین محدود که با ویژگی‌ها و خصلت‌های مشترک دور هم گرد آمده و بر اساس آن، عنصر جغرافیایی ملت را تشکی داده‌اند که پایه و ساختار دولت محسوب می‌شوند.»^۲

در این میان ارزش‌ها و باورهای مشترک از جمله عناصری هستند که در تحکیم همبستگی ملی نقش اساسی دارند و گاهی از آن‌ها به عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و یا دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشند و به گسترش همبستگی می‌انجامند. بدین‌سان، عدالت، انسان‌دوستی، مهربانی و... جزو ارزش‌های اجتماعی شمرده شده است که به همبستگی اعضای جامعه یاری می‌رساند.^۳

در این میان، جریان‌های انحرافی مهدوی با دامن زدن به تنش‌های اجتماعی، نقشی مؤثر در تضعیف همبستگی ملی ایفا می‌کنند. در حالی که دین می‌تواند به مثابه یک ارزش مشترک، زمینه‌ساز انسجام اجتماعی باشد، در قالب فرقه‌گرایانه، به مثابه گسل اجتماعی عمل کرده و بستر نزاع و واگرایی را فراهم می‌آورد. چنان‌که آلن بیرو نیز از پیدایش عقاید متقابل به عنوان

۱. بیگدلو، باقری، ارتباط همبستگی ملی با کارکرد ارتباط اجتماعی تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران (از نگاه کارشناسان و وزارت کشور)، ص ۱۲۶.

۲. بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۰۰؛ بیگدلو و باقری، پیشین، ص ۱۲۶.

۳. بیرو، پیشین، ص ۲۸۶.

یکی از عوامل تنش‌زا در جامعه یاد می‌کند.^۱ در همین راستا، این جریان‌ها با رویکردی آگاهانه به تفکیک اجتماعی دست‌زده و اعضای جامعه را به گروه‌هایی منفک از کلیت نظام اجتماعی تبدیل می‌کنند. آنان در قالب راهبردی هدفمند، نظام سیاسی جمهوری اسلامی را دشمن مشترک معرفی کرده و از این طریق، انسجام درون‌گروهی خود را تقویت می‌نمایند؛ راهبردی که از منظر جامعه‌شناسی، ابزاری مؤثر برای برانگیختن نفرت جمعی و تحکیم انسجام درون‌فرقه‌ای تلقی می‌شود؛^۲ اما چنین اتحادی، بر خلاف همبستگی‌های سازنده و معطوف به توسعه اجتماعی، بر محور نفرت شکل گرفته و در نهایت، موجب فرسایش و تضعیف همبستگی ملی در جامعه می‌شود.

برای نمونه، فرقه شیخیه کوشیده است تا از طریق نشانه‌های نمادین، به‌ویژه در مناسک دینی، مرز هویتی خود را با جریان غالب تشیع مشخص کند و به نمایش بگذارد. یکی از جلوه‌های برجسته این تمایز، نوع پوشش در آیین‌های سوگواری، به‌ویژه مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، است. درحالی‌که در سنت رایج شیعه، سیاه‌پوشی نماد اندوه و احترام در ایام محرم محسوب می‌شود، پیروان شیخیه ترجیح می‌دهند با لباس سفید در این مراسم شرکت کنند. این انتخاب، از نظر آنان، مبتنی بر برداشت‌هایی فقهی است که پوشیدن لباس سیاه _ در عزاداری _ را مکروه می‌دانند.^۳ این شیوه‌ی عزاداری را می‌توان به‌صورت عینی در دسته‌های مذهبی منتسب به این فرقه، مانند دسته‌های عزاداری در کرمان یا بنی‌عامره بصره، مشاهده کرد.

یا برخی دیگر مانند انجمن حجتیه، با انحصار حقانیت در جریان، تنها قرائت دینی خود از مباحث دینی را به جامعه القاء می‌کنند و تلاش می‌نمایند تا این تمایز را در عرصه‌های سیاسی و یا اجتماعی نیز بروز و ظهور دهند؛ مانند باور به عدم مشروعیت حکومت در عصر غیبت و یا

۱. همان؛ ونیزجانسون، تحول انقلابی، ص ۷۴ و ۱۳۰.

۲. هوفر، مرید راستین، ص ۹۹.

۳. کرمانی، بی‌تا درباره مکتب شیخی، <https://www.alabarar.info/library/INTRODUCTION/f0000#pg>.

انحصار معرفت دینی در روش‌های خاص و نفی روش‌های معرفتی دیگر و بدبین‌سازی جامعه نسبت قرائت‌های مختلف نسبت به دین.^۱

در این راستا، فرقه به پیروان خود چنین القاء می‌کنند که در یک دانش رمزآمیز و منحصر به فرد با یکدیگر سهیم هستند و در جهانی فراتر از جریان رسمی کشور سیر می‌کنند. همچنان که در جریان منصور هاشمی خراسانی، ادعای ارتباط با روح القدس مطرح شده است.^۲ یا انجمن حجتیه چنین القاء می‌کند که مطالبی که انجمن، مروج آن است معارفی حقیقی ائمه علیهم‌السلام می‌باشد و شاخصه منحصر به فرد آن است. در این راستا، شیخ محمود حلبی در توضیح این مطلب از استاد خود که عبارت است از «طلب المعارف من غیر طریقتنا اهل البیت مساوق لانکارنا...» می‌گوید:

معنایش این است: درخواست علم و معرفت، خواستاری معارف الهیه، توحید و عدل، بداء، قدر و قضا، اسماء جلال و جمال، مقام اسم و فعل خدا و... تا برسد به معاد، به این‌ها می‌گویند معارف. درخواست معارف الهیه به غیر از راه ما خانواده [اهل بیت علیهم‌السلام] برابر با انکار ماست. اگر از غیر سرچشمه آل محمد خواستید معارف را به دست آورید از چشمه یونان و امثال یونان، انکار کرده‌اید این خانواده را.^۳

بدین ترتیب، جریان‌های انحرافی مهدوی با بهره‌گیری از ساز و کارهای فرقه‌ای، نه تنها مانعی در برابر تحقق همبستگی ملی محسوب می‌شوند، بلکه با تضعیف باورها و ارزش‌های مشترک دینی و سیاسی، زمینه را برای گسست اجتماعی و واگرایی در جامعه فراهم می‌آورند. این جریان‌ها از طریق تأکید بر تمایزات ظاهری، القای برتری معرفتی و تولید گفتمان‌های

۱. حلبی، جزوه تذکری درباره وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام، ص ۸؛ گروه مولفان مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، دیانت عاقبت، ص ۴۳.

۲. هاشمی خراسانی، مناهج الرسول، ص ۱۵۸.

۳. حلبی پیشین.

انحصارگرایانه، در مسیر تضعیف انسجام اجتماعی گام برداشته و با ارائه قرائتی واگرایانه از مهدویت، نقش منفی در سست شدن پایه‌های وحدت ملی ایفا می‌کنند.

- بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از این جریان‌ها

بهره‌برداری دشمنان خارجی از این جریان‌های یکی دیگر از مواردی است که به تضعیف امنیت در جامعه منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که جریان‌های انحرافی مهدوی به واسطه ماهیت ضد نظام و اغراض سیاسی خود، به ابزاری برای نفوذ و فشار دشمنان جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، امنیت ملی کشور را تهدید می‌کنند. این جریان‌ها، از جمله دراویش گنابادی، جریان کاظمینی بروجردی و بهائیت، با ایجاد ناامنی داخلی، تحریک احساسات عمومی و مکاتبه و تعامل با نهادهای بین‌المللی، زمینه بهره‌برداری سیاسی و تبلیغی بیگانگان را فراهم می‌سازند. حمایت اتحادیه اروپا از دراویش گنابادی، پخش تصاویر اغتشاشات از شبکه‌های غربی^۱ و نامه‌نگاری‌های بروجردی به نهادهای بین‌المللی از جمله مصادیق این نفوذ است که پس از دستگیری وی، موجی از تبلیغات رسانه‌ای غرب علیه ایران شکل گرفت^۲ همچنین، بهائیت با انتشار گزارش‌های مستمر درباره نقض حقوق شهروندان بهایی و مظلوم‌نمایی در مجامع جهانی، تلاش دارد چهره‌ای منفی از جمهوری اسلامی ارائه دهد.^۳

فرقه‌هایی چون بابیه، بهائیه و ازلیه نیز از گذشته تاکنون مورد حمایت دولت‌های استعماری مانند روس، انگلیس و آمریکا بوده‌اند و اسناد تاریخی از این روابط پرده برداشته‌اند. جریان‌های انحرافی با ایجاد چالش در روابط بین‌الملل، از طریق مظلوم‌نمایی، طرح ادعاهای حقوق بشری و تحریک نهادهای بین‌المللی، موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی تضعیف

۱. امدادی فر، فرقه‌ها از عرفان تا تهدید، ص ۲۷۵.

۲. همان.

۳. سرویس خبری جامعه بهائی منبع اصلی خبری جامعه بهائی در سرتاسر جهان، تیتیر خبر سرکوب عدالتخواهی، ۴ آذر ۱۴۰۱.

می‌کنند. نمونه آن، بیانیه نماینده جامعه جهانی بهائی در شورای حقوق بشر سازمان ملل است که ایران را به ظلم و سرکوب متهم کرد. بدین منظور دولت آمریکا برای حمایت از بهائیت، فشارهای بین‌المللی بر ایران را افزایش داد.^۱ از این رو، با توجه به نقش بی‌ثبات‌کننده این جریان‌ها و استفاده قدرت‌های خارجی از آنان، شناسایی، رصد و مقابله با این گروه‌ها امری ضروری و حساسیت‌برانگیز برای حفظ امنیت و اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

جریان‌های انحرافی مهدوی با انحراف در آموزه‌های اصیل مهدویت و نفوذ در بافت دینی و اجتماعی جامعه، تهدیدی نرم و خزنده علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آیند. این جریان‌ها با تحریف مفاهیم اعتقادی، ایجاد شبهه و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به نهادهای دینی و حاکمیتی، زمینه فروپاشی سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام را فراهم می‌کنند. از این رو، بررسی آثار این جریان‌ها در چارچوب مؤلفه‌های امنیت درون‌زا، ضرورتی بنیادین برای صیانت از کیان نظام اسلامی محسوب می‌شود. بر اساس تحلیل انجام‌شده، می‌توان نتایج زیر را ارائه کرد:

۱. **تضعیف اسلامیت نظام:** جریان‌های انحرافی مهدوی با ارائه قرائت‌های ناصحیح از دین و مهدویت، اسلام ناب محمدی را دچار تحریف کرده و موجب خدشه در مبانی دینی نظام می‌شوند که یکی از ارکان اصلی مشروعیت جمهوری اسلامی است.
۲. **تحدید جایگاه ولایت فقیه:** این جریان‌ها با نادیده گرفتن یا تضعیف نقش نیابت عامه در عصر غیبت، جایگاه ولی فقیه را به چالش کشیده و از این طریق به ساختار مشروعیت سیاسی نظام آسیب وارد می‌کنند.
۳. **تضعیف سرمایه اجتماعی و انسجام داخلی:** با بهره‌گیری از ادعاهای خارق‌العاده، پیش‌گویی‌های غیر مستند و بهره‌برداری از نارضایتی‌ها، این جریان‌ها اعتماد عمومی، انسجام ملی و پایگاه مردمی نظام را فرسوده کرده و بستر ناامنی اجتماعی و واگرایی را فراهم می‌آورند.

۴. **بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از این جریان‌ها برای بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران:** قدرت‌های خارجی از جریان‌های انحرافی مهدوی برای تضعیف مشروعیت، ایجاد ناآرامی و فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری

می‌کنند. این بهره‌برداری عمدتاً از طریق حمایت رسانه‌ای، سیاسی و حقوق بشری از این گروه‌ها صورت می‌گیرد.

بر همین اساس برای مقابله مؤثر با تهدیدات ناشی از جریان‌های انحرافی، رویکرد امنیتی صرف کفایت نمی‌کند. بلکه نیازمند تلفیقی از اقدامات فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و حقوقی هستیم تا ضمن حفظ آزادی‌های مشروع فکری و مذهبی، از ترویج جریان‌های مخرب جلوگیری شود. تقویت گفتمان رسمی مهدویت، آگاهی‌بخشی به جامعه، بازسازی اعتماد عمومی و حمایت از نهادهای دینی مشروع از جمله راهبردهای اساسی در این زمینه است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۶ جلد، بی‌چا، قم: ۱۳۶۳.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، انتشارات دار صادر، ۱۵ جلد، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳. اخگری، محمدرضا، ولایتی‌های بی ولایت، ناشر: پرچم، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۴. اسکندری، مصطفی، درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۵. افتخاری، اصغر، فرهنگ امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: ۱۳۹۱.
۶. افتخاری، اصغر، کالبد شکافی تهدید، نشر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۵.
۷. افندی، عباس (عبدالبهاء)، رساله سیاسییه، بی‌نا، بی‌چا، تهران، ۱۳۲۵.
۸. امدادی فرد، هادی، حسینی، محمدرسول، آذرنگ، پوریا، فرقه‌ها از عرفان تا تهدید، انتشارات دافوس، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۱.
۹. ایمانی سطوت، علی، مؤلفه‌های قدرت در دولت اسلامی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۴۵، ۱۳۸۶.
۱۰. بصری، احمد اسماعیل، حاکمیت خدانه حاکمیت مردم، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۷.

۱۱. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: ساروخانی، باقر، انتشارات موسسه کیهان، چاپ دوم: تهران، ۱۳۷۰.
۱۲. بیگدلو، مهدی، باقری، عبدالرضا، ارتباط همبستگی ملی با کارکرد ارتباط اجتماعی تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران (از نگاه کارشناسان وزارت کشور)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، سال ۱۳۹۲، (صص ۱۲۱-۱۴۴). تهران: ۱۳۸۹.
۱۳. تولایی، شیخ محمود (حلبی)، جزوه تذکر درباه وجود مقدس امام زمان علیه السلام از زبان خادم الحجه، آیه الله حاج شیخ محمود تولایی خراسانی، بی نا، بی چا، بی جا، بی تا. (جزوه درون گروهی انجمن که منتشر نشده است).
۱۴. چالمرز، جانسون، تحول انقلابی بررسی نظری پدیده انقلاب، مترجم: حمید الیاسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
۱۵. حاجیانی، ابراهیم، بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی، نشریه فصلنامه مطالعات رهبردی، شماره ۲۴، ۱۳۸۳، از صص ۲۳۳-۲۵۳.
۱۶. حیدری چراتی، حجت، ندرلو، مهرداد، بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصورهاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه، دو فصلنامه جامعه مهدوی، سال پنجم، شماره اول، ۱۴۰۳، ازصص (۳۳-۶۸)
۱۷. _____ بررسی و تحلیل جریان منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و وحدت اسلامی»، دو فصلنامه علمی ترویجی پژوهشنامه موعود، شماره ۶، سال ۱۴۰۰، صص ۷۰-۹۳.
۱۸. _____، بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدویت در جامعه ایران، فصلنامه انتظار موعود، شماره دوره ۲۳، شماره ۸۳، ۱۴۰۲، ازصص (۹۵-۱۲۰).

۱۹. خسرو پناه، عبدالحسین، **آسیب شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام**، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۴، سال: ۱۳۹۴، از ص (۵-۲۸).
۲۰. خسرو پناه، عبدالحسین، **جریان شناسی فکری ایران معاصر**، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ ششم، قم، ۱۳۹۴.
۲۱. خمینی، روح الله (امام خمینی)، **صحیفه امام**، ۲۱ جلدی، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، انتشارات دار الشامیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. زاهد زاهدانی، سید سعید، سلامی، **محمد علی، بهائیت در ایران**، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۸.
۲۴. ساداتی نژاد، علی، بهرام بیات، اسماعیل احمدی مقدم و لطفی عنایتی، **مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در اسلام**، فصلنامه امنیت ملی، شماره ۴۲، ۱۴۰۰ (۴۷۷-۵۱۲).
۲۵. سلیمی، علی؛ محمد داوری، **جامعه‌شناسی کجروی‌ها**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵.
۲۶. صدر، موسی، **قرآن و پدیده انحراف در جامعه**، مجله پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، سال ۱۳۸۳، (از ص ۱۴-۳۷).
۲۷. صلیبا، جمیل؛ صانعی دره بیدی، منوچهر، **فرهنگ فلسفی**، انتشارات حکمت، بیتا، بیجا، بی‌چا، نسخه سایت فقاها.
۲۸. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، انتشارات راه رشد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۲۹. فراهیدی، احمد بن خلیل، **کتاب العین**، انتشارات هجرت، ۹ جلد، چاپ دوم، قم: ۱۳۶۷.
۳۰. قاضی‌زاده، علی‌رضا، **آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران**، نشریه پژوهشنامه، شماره ۵۵، سال ۱۳۸۹، از ص (۱۴۹-۱۹۰)

۳۱. کوئن، بورس، **درآمدی به جامعه‌شناسی**، مترجم: محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، ۱۳۷۵.
۳۲. _____، **مبانی جامعه‌شناسی**، مترجم: غلامعلی عباس و رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۳۳. کرمانی، حاج محمد کریم خان، **سی فصل**، انتشارات گلزار حسنی، بی‌چا، بی‌جا، ۱۳۱۳ ق.
۳۴. _____، **مکارم الابرار**: مجموعه مصنفات العالم الربانی و الحکیم الصمدانی مولانا المرحوم الحاج محمد کریم خان الکرمانی (رساله هدایه الصبیان)، انتشارات: شره الغدیر للطباعه و النشر المحدوده، ۳۲ ج، بصره، ۱۳۹۴-۱۴۳۶ ق.
۳۵. _____، **ازهاق الباطل فی رد الباییه**، انتشارات سعادت، بی‌چا، بی‌جا، ۱۳۵۱.
۳۶. _____، **رساله ناصریه در جهاد**، منتشر شد در سایت الابرار، بی‌چا، بی‌جا، بی‌تا.
۳۷. گالبرایت، جان کنت، **آناتومی قدرت**، مترجم: محبوبه مهاجر، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران: ۱۳۸۱.
۳۸. گروه مولفان مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، **دیانت عافیت: مجموعه گفتار و مقالاتی در باب تاریخ، عقاید و زمینه اجتماعی انجمن حجتیه**، بی‌چا، تهران: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، ۱۳۹۰.
۳۹. گیدنز، آنتونی و دیگران، **جامعه‌شناسی**، مترجم: چاوشیان، حسن، نشر نی، چاپ اول ویراست چهارم، تهران، ۱۳۸۶.
۴۰. مظفری، آیت، **جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر**، نشر زمزم هدایت، چاپ چهاردهم، قم: ۱۳۹۶.
۴۱. منصوری، شیخ عبدالعالی، **ولایت فقیه در زمان غیبت: مطالعه استدلالی**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌نا، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۰۱.
۴۲. هاشمی خراسانی، منصور، **بازگشت به اسلام**، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ هفتم، افغانستان، ۱۴۰۰.

۴۳. _____، **هندسه عدالت**، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ سوم، افغانستان، ۱۳۹۷.

۴۴. _____ **مناهج الرسول**، افغانستان: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ ششم، بلخ، ۱۳۹۸.

۴۵. هوفر، اریک، **مرید راستین: تاملاتی درباره سررشت جنبش‌های توده‌وار**، مترجم: شهریار خواجهیان، نشر اختران، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۵.

وب سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی

۱. _____ ۱۴۰۲. **از حرف تا عمل؛ کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران**، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417/>.

۲. _____ معروف، ذاکر، **۱۳۹۶ انتخابات؛ نمایشگاه قدرت طلبی و ابتذال سیاسی در ایران**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/.۱۸۲۵۴>

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۵. **بخش پرسش و پاسخ، کد ۱۹۷**،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/.۷۷۷۵۶>

۴. حسینی، محسن، **نظریه‌ی «ولایت مطلقه‌ی فقیه»؛ بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا**

بن بست لاینحل مشروعیت؟! پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/۶۰۳۴/>

۵. سایت الابرار، ابراهیمی، زین‌العابدین، **درباره مکتب شیخی**، بی تا

۶. سرویس خبری جامعه بهائی. «سرکوب عدالت خواهی»، جامعه بهائی منبع اصلی خبری

جامعه بهائی در سرتاسر جهان، ۱۴۰۱.

۷. کانال تلگرامی انجمن حجتیه، ۱۲ اوت ۲۰۲۴، @anjoman_hojjatieh.